

تبیین تاثیر مسائل راهبردی عراق بر رویکرد استراتژیک و جایگاه منطقه‌ای جمهوری

اسلامی ایران از زمان سقوط صدام تا ظهور داعش

رقیه باقری^۱ - حسین مسعودنیا^۲ - مهناز گودرزی^۳

تاریخ ارسال: ۱۳۹۶/۱۱/۱ - تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۶

چکیده:

مقاله حاضر مسائل راهبردی عراق را با نگاهی تاریخی و تحلیلی بررسی می‌نماید و استراتژی متخذه از سوی ایران نسبت به روند سیاسی حاکم بر کشور عراق را واکاوی قرار می‌دهد و تاثیر سیاست‌ها و اقدامات عملی ایران بر جایگاه منطقه‌ای‌اش را در دو مقطع زمانی اولاً؛ بعد از سقوط صدام و آغاز فصل نوین در تاریخ کشور عراق و ثانیاً؛ در برخورد با معضل گروه تروریستی داعش در این کشور را از منظر تئوری واقع‌گرایی تدافعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در این راستا سوال اصلی پژوهش اینگونه شکل گرفته است که: مسائل راهبردی عراق پس از سقوط صدام چه تاثیری بر رویکرد استراتژیک ایران داشته است؟ اقدامات سیاسی و عملی دستگاه دیپلماسی ایران نسبت به ظهور داعش در عراق چیست و چه تاثیری بر امنیت ملی کشور دارد؟ رویکرد استراتژیک ایران بعد از سقوط صدام و اقدامات عملی آن بعد ظهور داعش در عراق چه تاثیری بر جایگاه منطقه‌ای آن داشته است؟ از این رو، مسئله اصلی در این مقاله این است که استراتژی ایران در برخورد با تحولات داخلی عراق همواره حمایت از طرح تثبیت حاکمیت جدید در عراق با قدرت‌یابی شیعیان بوده است و در راستای حفظ ثبات و امنیت این کشور به مقابله در جهت تضعیف و متوقف نمودن داعش پرداخت و رویکرد استراتژیک متخذه از سوی ایران در این برهه از زمان به افزایش نقش و نفوذ آن و ارتقاء جایگاه منطقه‌ای‌اش در محیط امنیتی خاورمیانه انجامید هر چند چالش‌هایی را برای ایران مطرح گردید.

واژگان کلیدی: مسائل راهبردی، استراتژیک، عراق جدید، داعش، جایگاه منطقه‌ای ایران

۱- دانشجوی دکتری، روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران
rbroshanak@gmail.com

۲- دانشیار و عضو هیئت علمی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

۳- استادیار و عضو هیئت علمی، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
m_goodarzi@khuisf.ac.ir

مقدمه:

محیط استراتژیک پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به صورتی است که کشور عراق به عنوان عضوی از دو منطقه (خلیج فارس و خاورمیانه) از یکسو پیوند دهنده ما به معادلات منطقه‌ای قدرت در خاورمیانه و از طرف دیگر یکی از رقبای همیشگی ایران در خلیج فارس مطرح می‌باشد. بافت جمعیتی متنوع و شکاف‌های قومی چند سویه عراق از نظر آسیب شناسی امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و سیاست‌گذاری‌های امنیتی همواره نگرانی ایران را در پی داشته است، و سیاست‌های مقامات عراقی مخصوصاً بعد از سقوط صدام حسین از منظر مقامات ایرانی به صورت مداوم رصد می‌گردد، در حال حاضر نیز و با توجه به شرایط خاص حاکم بر عراق و چالش‌ها، نگرانی‌ها و فرصت‌هایی که در این وضعیت حساس بوجود آمده است، لازم است اقدامات عقلانی در برنامه‌های امنیتی ایران در قبال عراق اتخاذ گردد. در شرایط کنونی که یکی از ویژگی‌های آن سرعت تحولات و دگرگونی اوضاع است، پویایی سیاست‌گذاری امنیتی و اتخاذ راهبردی استراتژیک از سوی دستگاه دیپلماسی ایران، ضرورت اجتناب ناپذیری محسوب می‌شود، انعطاف و سرعت عمل در انطباق با شرایط جدید، نه تنها در اتخاذ تصمیمات بلکه باید در عرصه عمل نیز مشهود باشد. (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۸۸: ۴۸)

پس از سقوط صدام، کشور عراق شاهد تغییر و تحولات عمیق در ابعاد سیاسی-اقتصادی-نظامی و ژئوپلیتیکی گردید و عوامل ژئوپلیتیکی در این کشور به گونه‌ای جدید مبادرت به ایفای نقش نمودند به نحوی که منطقه خاورمیانه و همسایگان عراق بالاخص ایران را از نقش جدید خود متأثر ساخت. (عزتی و نانوا، ۱۳۹۰: ۱۳۸) برقراری و تنظیم استراتژی مناسب از سوی ایران بعد از سقوط صدام، به نوعی به معنای ورود ایران به صحنه منطقه‌ای و نظام بین‌الملل و تنظیم روابط جدید با جهان عرب محسوب می‌گردد و طبیعی است جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهمترین بازیگر این منطقه سعی در تثبیت نقش خود به عنوان بازیگر محوری و قدرت منطقه‌ای داشت، از این لحاظ جایگاه عراق جدید در حوزه سیاست خارجی ایران قابل تعریف است. (متقی و سلطانی، ۱۳۹۰: ۴۴) در این برهه زمانی عراق جدید، ایران با کشورهای متفاوتی در منطقه مواجه شد که هر کدام ساختار ژئوپلیتیکی ویژه و طرح واره‌های خاص خود را در منطقه و نیز عرصه جهانی دارند که برخی از آنها مشترک و بعضی از آنها متفاوتند. (کریمی فیروزجانی و عبدالله پور، ۱۳۹۱: ۷۸) پیدایش گروه تروریستی داعش در عراق و مجموعه اقدامات سیاسی و عملی از جانب ایران در راستای تضعیف و مقابله با داعش، فصل نوینی در روابط دو

کشور گشود که خود به افزایش نفوذ و جایگاه منطقه ایران انجامید، هر چند از سوی سایر کشورها افزایش نفوذ و نقش ایران به عنوان یک چالش جدید مطرح گردید. مقاله حاضر درصدد می‌باشد تا استراتژی ایران نسبت به تحولات داخلی کشور عراق بعد از سقوط صدام حسین تا ظهور داعش را بررسی نماید، و بالاخص بعد از پیدایش و ظهور داعش نوع استراتژی ایران و چالش‌های پیش روی کشور تحلیل می‌گردد. در پژوهش حاضر ابتدا تصویری کلی از تحولات نوین کشور عراق پس از فروپاشی رژیم صدام و استقرار نظام سیاسی جدید آن کشور ارائه می‌شود و در نهایت به معضل داعش در عراق و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران و اقدامات سیاسی و عملی آن و موضع دیگر کشورها پرداخته می‌شود. روش پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، توصیفی-تحلیلی بوده و برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی بهره گرفته شده است و با توجه به موضوع مورد بررسی یعنی سیاست خارجی از نظریه رئالیسم تدافعی بهره گرفته می‌شود.

چارچوب نظری

نظریه‌های روابط بین‌الملل به طور عام و پژوهش‌های مربوط به حوزه سیاست خارجی به طور خاص می‌کوشند تحلیل‌های مفهومی قاعده مند، فراگیری، توصیفی و پیش بینی پذیری از رفتار خارجی واحدهای ملی ارایه دهند. هر یک از نظریه‌های کلان و رایج روابط بین‌الملل با مفروض‌های متفاوت و معرفت شناختی، هستی‌شناختی و انسان شناختی، از منظری به سیاست خارجی پرداخته و هر یک بر عنصر یا عناصری تأکید می‌کنند. (خسروی، ۱۳۸۸: ۶۱) نظریه‌ها با ترسیم چشم انداز تازه موجب توجه به واقعیات و درک علل و معلول‌هایی می‌شوند که بی‌اعتنایی به مبانی نظری، به معنای نادیده گرفتن آنها منجر می‌گردد، برای تجویز سیاست گذاری‌های درست و معقول، وجود نظریه ضرورت اساسی دارد. نظریه به سامان دادن پژوهش و کشف موثرتر رابطه بین متغیرها کمک می‌کند و مناسب‌ترین ابزارهای موجود برای گردآوری و تحلیل داده می‌باشد. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۸۰)

واقع‌گرایی تدافعی^۱ به عنوان یکی از چارچوب‌های تئوریک مهم برای تجزیه و تحلیل موضوعات مهم در سطح بین‌الملل بالاخص بحث سیاست خارجی کشورها کاربرد فراوان دارد. استراتژی متخذ جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق جدید و همچنین حضور فعال و موثر ایران در

^۱ . Defensive Realism

جهت مقابله با تروریسم را، بر اساس فرضیات واقع‌گرایی تدافعی می‌توان تبیین نمود و با بهره‌گیری از پارادایم‌های تئوری مذکور می‌توان، ارتباط میان متغیرهای دخیل در سیاست خارجی ایران را چهارچوب بندی نمود.

در واقع‌گرایی تدافعی دولت‌ها می‌توانند از طریق ایجاد موازنه قدرت از عهده عموم تهدیدهای خارجی برآیند، بنابراین تنها در شرایط ترسناک یا از طریق دولت‌های شرور غیرعقلانی است که در محیط بین‌المللی خشونت ایجاد می‌شود. بر این اساس از منظر رئالیسم تدافعی، سیاست خارجی دولت‌ها، از واکنش‌های مسالمت آمیز به عوامل سیستمی تشکیل می‌شود. واقع‌گرایی تدافعی به رابطه میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل و رفتار دولت‌ها توجه می‌کند و روابط آنها را پیچیده می‌بیند و اعتقاد دارند آنارشی بین‌المللی معمولاً «خوش خیم» است یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است. در نتیجه دولت‌ها که این را در می‌یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب تنها در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است. تنها در شرایطی که معضله امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد نمود. به علاوه، آنارشی بین‌المللی را نمی‌توان به سهولت فهمید و این دولتمردان‌اند که باید در هر وضعیت خاصی به ارزیابی درجه تهدید یا عدم آن بپردازند. از دیدگاه رئالیستی دولت‌ها با حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، منافع خود را دنبال کرده و اغلب تهدیدات خاستگاه خارجی دارند و این دیدگاه نگاهی سخت‌افزاری به امنیت ملی دارد. (نصری و رضایی، ۱۳۹۲: ۴۳)

استفان والت معتقد است دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری نسبت به موجودیت یا منافع آنها باشند. امنیت در شرایطی در نظام افزایش خواهد یافت که ایجاد موازنه به هنجار بدل شده است، ایدئولوژی تأثیر زیادی نداشته باشد و یا اغلب عامل تفرقه باشد، و کمک و نفوذ بیگانه علل نسبتاً ضعیفی در شکل‌گیری ائتلاف‌ها باشند. در برابر قدرت تهدیدگر اغلب سیاست موازنه پیش گرفته می‌شود که به معنای اتحاد دولت‌ها در مقابل دولتی است که آنها را تهدید می‌کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۳) بنابراین موازنه در برابر دولت‌هایی صورت می‌گیرد که قدرت آنها از منظر دولت ایجادکننده موازنه، تهدیدکننده نیز باشد، بر این اساس از منظر والت، صرف عنصر تهدید مفهومی جامع‌تر و با قدرت تبیین‌کنندگی بالاتر تلقی می‌شود، استفان والت، موازنه دولت‌ها در برابر قدرت‌های تهدیدگر

قاعده اصلی رفتار آنها در سیاست خارجی است (وات، ۱۹۸۵: ۱۳۳) و همچنین رابرت جرویس معتقد است دولتها می‌توانند بدون کاهش امنیت دیگران، امنیت خود را حفظ کنند و حتی در پیش گرفتن سیاست تدافعی، بر اتخاذ سیاست تهاجمی آنها ترجیح یابد؛ حتی افزایش زیاد در امنیت دولتها فقط به مقدار اندکی از امنیت سایر دولتها می‌کاهد و در این شرایط، همه قدرت‌های خواهان حفظ وضع موجود می‌توانند از درجه بالای امنیت برخوردار شوند. بنابراین دولتها با رضایت از فرصت فراهم شده، از توسعه نفوذ خود در خارج از مرزهای ملی در قبال دستیابی به تضمین‌هایی برای امنیت خود چشم پوشی می‌کنند به نظر تالیافرو نیز واقع‌گرایی تدافعی مبتنی بر چهار مفروضه است. معضله امنیت، ساختار ظریف قدرت، برداشت‌های ذهنی رهبران و عرصه سیاست داخلی. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۴)

بنابراین ماهیت اهداف ایران در منطقه بعد از سقوط صدام بیشتر تدافعی و در جهت افزایش «امنیت نسبی» کشور است، زیرا که ایران سعی دارد نقش و نفوذ خود را در فضای سیاسی خاورمیانه بعد از بحران عراق (۲۰۰۳) افزایش دهد و ریشه‌های افزایش نقش منطقه‌ای ایران در راستای امنیت سازی و پیگیری منافع آن است. ایران مانند هر کشور دیگری از فرصت‌های جدید در راستای دست یابی به منافع بلندمدت خود بهره برداری می‌کند.

۱. سیاست خارجی متخذه از سوی ایران نسبت به تحولات عراق پس از سقوط صدام

در تعریف مفهوم سیاست خارجی گفته می‌شود که سیاست خارجی از جایی آغاز می‌شود که سیاست داخلی پایان یافته است، در واقع سیاست خارجی به تدوین و اجرا و ارزیابی تصمیم‌گیری‌هایی مربوط می‌شود که از نظر دولتمردان یک کشور جنبه برون مرزی دارد. سیاست خارجی عبارت از، خط مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می‌کند، حال مهمترین ابزار سیاسی در اجرای سیاست خارجی دیپلماسی می‌باشد، لذا یکی از فعال‌ترین بخش‌های دستگاه دیپلماسی ایران تمرکز بر کشور عراق است.

ایران مخالف سرسخت تصمیم آمریکا برای حمله به عراق بود و برای جلوگیری از این امر ایران به دیپلماسی روی آورد، به موازات آن گام‌هایی را برای تثبیت نفوذ خود در عراق برداشت. ایران بدون درنگ مخالفت خود با حمله نظامی به عراق برای سرنگونی رژیم بعث عراق را اعلام کرد، و هرگونه حمله نظامی به عراق فاقد وجه قانونی و در نتیجه از نظر دولت ایران و حقوق بین‌الملل غیرقابل قبول بود. (طارمی، ۱۳۹۵: ۱۲) رفتار اعلامی و حقوقی دولت

جمهوری اسلامی ایران، به رغم همه فشارها، تنشها، پیشینه‌ها و تمایلات استراتژیک، در قبال تحولات عراق موضع‌گیری منطبق بر حقوق بین‌الملل بود. در بعد حقوقی و رسمی، ایران در چهارچوب متعارف رفتار بین‌الدولی حرکت کرد، بدین معنی که اولاً هیچگاه اصل اشغال نظامی عراق را مورد تایید قرار نداد و این نگرش حقوقی، یکی از پایه‌های اصلی رفتار ایران بود. هر چند رژیم بعث بیش از هر چیزی برای همسایگانش از جمله ایران خطرناک بود و سیاست آمریکا اگرچه مخالف ایران بود اما به گونه‌ای نتیجه آن، در خدمت به منافع ملی ایران بوده است. (متقی و سلطانی، ۱۳۹۱: ۵۰)

حمله نظامی ایالت متحده آمریکا به عراق و به دنبال آن سقوط حکومت صدام حسین در مارس ۲۰۰۳، تحولاتی گسترده را در عراق و منطقه به وجود آورد، سقوط صدام و روی کارآمدن یک عراق با هویت و قومیت اکثریت شیعه و نظامی دموکراتیک و پارلمانی، باعث شد که روابط دو کشور ایران و عراق به نزدیک‌ترین حالت ممکن برسد. فروپاشی نظام بعثی عراق به خودی خود فضایی را که چند دهه بر سیاست خارجی ایران بسته بود گشود و برخی مشکلات موجود فکری- عقیدتی میان نخبگان ایران را با هیئت حاکمه عراق کاهش داد. (نادری، ۱۳۷۳: ۷۰) جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین همسایه عراق در مرزهای شرقی این کشور، بیش از سایر کشورهای منطقه از تحولات به وقوع پیوسته تأثیر پذیرفته و عراق اهمیت زیادی در سیاست‌های راهبردی ایران پیدا کرده است. (عطایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۱) ایران پس از سقوط صدام در تلاش برای فرصتی در جهت قدرت سازی در حوزه‌های ژئوپلیتیکی، ایالت متحده را مجبور به پذیرش جایگاه منطقه‌ای خود ساخت و با سیاست «امنیت به هم پیوسته» و حضور بیشتر در منطقه سعی در رفع چالش‌های جدید امنیتی و همچنین افزایش چانه زنی برای تثبیت نقش‌های سیاسی- امنیتی جدید به نفع منافع ملی خود را در یک دوران انتقال دارد. (عزتی و نانو، ۱۳۹۰: ۹-۸)

تحولات سیاسی در عراق و به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور، چشم انداز قدرت و سیاست در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده است. منطق اتصال استراتژیک از طریق عنصر شیعه به این واقعیت بر می‌گردد که بازی‌های آینده در منطقه خاورمیانه نه صرفاً بر اساس ایدئولوژی بلکه برای تثبیت حوزه‌های نفوذ و نقش‌ها صورت می‌پذیرد. درجه نفوذ و نقش ایران در عراق به درجه اتصال استراتژیک و هدایت روابط با گروه‌های سیاسی متحد و دوست همچون مجلس اعلای انقلاب اسلامی، حزب الدعوة و غیره در جهت

تثبیت موقعیت و نقش و جایگاه آنها در حاکمیت سیاسی دولتها بستگی دارد، نقش آفرینی ایران از طریق این گروه‌های سیاسی باید فراتر از مسایل صرف امنیت - تقابلی به سوی مسایل استراتژیک و نقش سازی هدایت شود. (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۴)

روی کار آمدن گروهی شیعی در دولت جدید عراق منجر به افزایش نقش و نفوذ ایران در این کشور گردید و قدرت‌یابی ایران در میان کشورهای شیعه نشین و برقراری حلقه ارتباطی بین دول محور مقاومت و در رأس آن ایران به تغییر توازن در منطقه منجر گردید، این مسئله از جانب دول منطقه‌ای بالاخص کشورهای عرب نشین و سنی از جمله عربستان سعودی مکرراً مورد نقد قرار می‌گرفت و چرخش قدرت در عراق به نفع دولت جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک اهرم نفوذ تلقی می‌کردند که ایرانیان در جهت هدایت مسائل داخلی عراق و دخالت هر چه بیشتر در آن آزادی عمل بیشتری پیدا نموده‌اند، اما مقامات دو کشور ایران و عراق از همان سالهای ابتدای تشکیل دولت جدید عراق روابط خود را عاری از هر گونه تنش و تبدیل به تعاملی دوستانه نمودند، البته مسائل داخلی عراق بعد از تشکیل دولت جدید آن تا به امروز همواره تحت تاثیر تنش‌ها و درگیری‌ها قومی و مذهبی بوده است که ثبات داخلی این کشور را به خطر انداخته و کشور ایران در راستای امنیت سازی در کشور عراق در چارچوب قواعد بین-المللی سیاست همکاری جویانه را با مقامات عراقی اتخاذ داشته است. در کشور عراق تنش‌های قومی، مذهبی، قبیله‌ای و سیاسی مکرراً وجود داشته و هویت عراق دچار تردید بوده، اعراب با کردها رقابت می‌کردند، اهل سنت با شیعیان، ناهمسانی قبایل و ایدئولوژی‌های مختلف ملی‌گرا و اسلام‌گرا باعث رقابت‌های طولانی مدت در این کشور بود. (روسایینی، ۲۰۱۴: ۲) کشور عراق خطرات و فرصت‌هایی را برای همسایگانش به وجود آورده، از طرفی تاثیر شیعیان در عراق تقویت می‌شود از طرفی سنی و کردی به شدت وابسته کشورهای عربستان و ترکیه می‌شوند، که کنترل دولت مرکزی بر عراق را در خطر می‌اندازد. (گازنسکی و لیندنستراس، ۲۰۱۳: ۲) رقابت بر سر قدرت و رویارویی گروه‌های قومی و مذهبی در عراق و تضعیف دولت مرکزی در عراق و وضعیت اقتصادی مردم عراق و دخالت دولت‌های خارجی در جهت منافع خود در این کشور و ... زمینه ناامنی را در عراق فراهم نمود، که منتهی به رشد و گسترش داعش گردید، گروه تروریستی داعش تحت عنوان دولت اسلامی عراق و شام در راستای گسترش فتوحات خود به مرور زمان تبدیل به تروریسم فرامنطقه‌ای گردید. گسترش و شدت فعالیت‌های داعش در عراق منجر به افزایش همکاری و نزدیکی هر چه بیشتر ایران و عراق گردید، برای واکاوی

نوع سیاست خارجی ایران در عراق در برخورد با داعش ذکر این نکته مهم می‌باشد که سیاست خارجی ایران توانست سه کار مهم از لحاظ منفعت امنیت ملی انجام دهد: نخست، مسئله تروریسم داعش را به عنوان یک معضل جهانی و منطقه‌ای به حوزه سیاست‌گذاری و امنیت بین‌الملل ارتباط دهد. دوم، رشد مسئله فرقه‌ای در عراق را به نفع مسائل ژئوپلیتیک که اتفاقاً امتیاز ایران در همین است تغییر دهد، یعنی مسئله شکاف بین شیعه و سنی و کرد در عراق تبدیل به ضرورت مبارزه با یک چالش فوری ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک شد که به ضرر همه است؛ سوم، نشان بدهد که ایدئولوژی دولت فعلی یا دولت اعتدال گرا و میانه رو می‌تواند ایدئولوژی افراطی را در منطقه به چالش بکشد.

بنابراین سیاست ایران در عراق پس از سقوط صدام بر مبنای مشارکت فعال و سازنده برای کمک به دولت و مردم عراق استوار بوده است، از اهداف و ابعاد متعددی برخوردار است که عمده‌ترین آنها دولت‌سازی بر اساس الگوی دموکراتیک مبتنی بر رأی اکثریت، همکاری با دولت عراق برای ایجاد امنیت و توسعه عراق، افزایش رفاه و اشتغال مردم و همچنین نهادینه سازی روابط با ایجاد روابط استراتژیک بین دو کشور است. جمهوری اسلامی ایران حمایت از همه دولت‌های عراق پس از صدام و کمک به آنها را در جهت ایجاد ثبات و امنیت در این کشور، در کانون سیاست خارجی خود قرار داده است.

در این راستا، جلوگیری از شکل‌گیری کانون‌های تهدید امنیتی در عراق، برقراری و ایجاد ارتباطات محکم با همه گروه‌های عراقی از جمله شیعه، کرد و سنی و حمایت از آنها در اولویت قرار گرفته است. در وضعیت جدید کشور عراق، فروپاشی رژیم بعث و وارد شدن عناصری تازه در حوزه سیاسی عراق، جایگاه آن کشور در سیاست خارجی ایران اهمیت بیشتری یافته است، در واقع، گرایش‌ها از تخاصم به رقابت و همکاری میل کرده است. با توجه به قدرت گرفتن شیعیان در عراق و روابط مثبت رهبران کرد و شیعه که نقش موثری در دولت نوین عراق دارند، روابط دو جانبه ایران با عراق روندی مسالمت جویانه را طی کرده است. عراق پس از صدام واجد عناصر و تحولاتی است که تغییر در ساختار قدرت و هویت آن باعث دگرگونی در ژئوپلیتیک منطقه و رویکردهای بازیگران خاورمیانه ای شده است. (نیک روش و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۰۸ و ۱۰۹) با سقوط صدام، در سیاست خارجی عراق تغییرات اساسی انجام گرفت؛ این سیاست بر مبنای گشودن درها به سوی جهان، به منظور تضمینی برای بازگشت مجدد عراق به وضعیت طبیعی و جایگاه مطلوبش، در جامعه بین‌المللی بود. (زندى و شاکری، ۱۳۹۳: ۶۹)

به رغم تلاش‌های ایران در کمک به بهبود وضعیت عراق، دولت آمریکا بارها ایران را به دخالت در امور داخلی عراق و تلاش برای بی ثبات ساختن این کشور متهم نمود. در پاسخ دولت ایران واشنگتن را متهم نمود که چون در تلاش برای سرکوب قیام مردم ناکام مانده است سعی می‌کند ایران را مسئول مشکلاتش در عراق معرفی کند. (طارمی، ۱۳۹۵: ۲۶)

ایران در چارچوب سیاست خود، اولین کشوری بود که دولت انتقالی را به رسمیت شناخت و در جهت پیشرفت روند سیاسی این کشور به ویژه تدوین قانون اساسی و ایجاد نهادهای مدنی و تثبیت امنیت در عراق نقش فعالی ایفا کرد. همچنین، در بین کشورهای همسایه بیشترین کمک‌ها و حمایت‌های مالی و امنیتی از مردم عراق را تامین کرد و بازسازی برخی شهرها و مناطق آن را بر عهده گرفت. در سطح بین‌المللی نیز ایران همواره در تلاش بود تا عراق را از بحران به وجود آمده رهایی بخشد. به همین دلیل در نشست‌های صلح عراق فعالانه شرکت کرد و خود نیز به عنوان میزبان، همه همسایگان عراق را گرد آورد و در جهت استقرار امنیت در آن کشور گام برداشت. بنابراین ایران در سالهای اشغال با محکوم کردن پدیده اشغال عراق و تمیز قائل شدن بین مقاومت سیاسی صحیح در مقابل اشغالگری با عملیات تروریستی، همواره مدافع حقوق بنیادین ملت عراق بوده است. (جوادی ارجمند و طلوعی، ۱۳۹۳: ۷۸۵ و ۷۸۶)

۲. عوامل تاثیرگذار بر افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق

هنگام بحث در مورد نفوذ یک دولت در یک سرزمین مشخص نیاز به بحث در مورد منافع آن کشور می‌باشد، اهداف اصلی ایران در عراق می‌تواند سه پارامتر داشته باشد. ۱- حفظ تمامیت ارضی کشور عراق ۲- کمک به ثبات سیاسی عراق ۳- گسترش زمینه‌های اقتصادی با دولت عراق. بحث تمامیت ارضی عراق را عده‌ای به رابطه جدایی کردها از عراق ربط می‌دهند و شکل - گیری کرستان عراق مستقل را به عنوان یک تاثیر منفی بر مرزهای و مناطق کردنشین ایرانی و همچنین در منطقه می‌دانند. حتی در کشورهای دارای قومیت کرد از جمله ترکیه که دارای قومی قابل توجهی از کردها را دارد شورش مسلحانه کردها یک زنگ خطر برای دولت مرکزی قلمداد می‌گردید. در واقع استقلال اقلیم کردستان نه تنها زنگ خطری برای دولت‌های همسایه بلکه به نوعی دولت مرکزی عراق را نیز دچار چالش اساسی می‌نماید، زیرا بخش اعظم ذخایر نفت کشور در مناطق کردنشین مستقر هست و این عامل ترس بیشتر دولت مرکزی را در پی دارد. علایق شدید ناسیونالیستی و انگیزه نخبگان سیاسی حاکم بر اقلیم کرد، در کنار

علائق راهبردی برخی رقبای منطقه‌ای ایران، سه منبع اصلی حرکت اقلیم کردستان به سمت استقلال هستند و تحقق این سناریو، ارزش‌های حیاتی جمهوری اسلامی ایران را در معرض مخاطره قرار می‌دهد.

امنیت ملی هر کشوری تابعی از مجموعه تحولات داخلی و تحرکات حادث در محیط امنیتی آن است. بعد از تشکیل حکومت فدرالی در اقلیم کردستان، قدرت و نفوذ کردها در داخل عراق افزایش یافت، از سوی دیگر برخی کشورهای فرامنطقه‌ای از جمله رژیم صهیونیستی با نگاه راهبردی به موقعیت اقلیم کردستان، حضور بی سابقه‌ای در اقلیم پیدا کردند و از استقلال آن حمایت می‌کنند و برگزاری همه پرسی برای استقلال در کردستان عراق و چالش‌های ناشی از آن در منطقه و نفوذ اسرائیل در اقلیم و خطر تجزیه عراق می‌تواند بر امنیت ملی ایران تأثیر زیادی داشته باشد، با توجه به اهمیت این موضوع، پیش بینی وضعیت آینده اقلیم کردستان عراق و چاره اندیشی در رابطه با جلوگیری از تأثیرات منفی آن بر امنیت ملی ایران یکی از دغدغه‌های ایران می‌باشد، که ضرورت حفظ حاکمیت ملی عراق و تمامیت ارضی آن جزء اولویت‌های ایران در برخورد با کشور عراق است. (نصری و رضایی، ۱۳۹۲: ۳۱) اما بحث ثبات سیاسی که در عراق ایران خواستار آن است، به دنبال سقوط رژیم بعث در عراق، برخورد منافع قومی مذهبی بروز پیدا کرده است، با تغییر رژیم اقلیت سنی، که بر اکثریت شیعه حکومت می‌کرد، از پذیرش تغییر در قدرت امتناع نموده و در نتیجه، اوضاع رو به وخامت نهاد و رنگ خشونت به خود گرفت. تداوم بی ثباتی و ناامنی در عراق و نگرانی‌های موجود در خصوص احتمال تبدیل شدن بحران عراق به یک جنگ داخلی، موجب شده است تا الگوها و سیاست‌های یک جانبه گرایانه از سوی آمریکا و تلاش این کشور برای کنار گذاشتن بازیگران فعال منطقه‌ای مانند ایران با توجه به نفوذ غیرقابل انکار آن بازبینی شود. از آن رو آشوب در عراق نه تنها تمامیت ارضی این کشور را تهدید می‌کند، بلکه ممکن است با سایر نواحی و مناطق مجاور و همسایه نزدیک آن ایران نیز سرایت کند، کشورهای منطقه و حتی جهان راه حل صلح آمیز برای آن، تأکید دارند. بنابراین، در مقابل مسئله وحدت و انسجام ملی و در کنار آن، تمامیت ارضی عراق مطرح می‌شود و هرگونه تشتت و اختلاف به ضرر ملت عراق است. (طاهری و تقی زاده، ۱۳۹۳: ۱۳۵)

نفوذ ایران در عراق در جهت حفظ ثبات آن به ظهور یک دولت مرکزی قوی و قدرت گیری شیعیان در عراق ارتباط تنگاتنگ دارد، زیرا که ایران و عراق سالیان طولانی روابط سیاسی تیره

و جنگ فرسایشی را داشته‌اند و هزاران انسان و زیرساخت‌های دو کشور از بین رفت، منتها از سال ۲۰۰۳ و برکناری حزب بعث و روی کار آمدن دولت شیعی که هم آهنگ با سیاست‌های ایرانیان بود به نوعی ایران در تلاش برای حفظ ثبات سیاسی عراق برآمد. (گلایکمن، ۲۰۱۵: ۱۱) همچنین پیدایش و گسترش گروه تروریستی داعش در منطقه خاورمیانه و در مرزهای ایران در عراق، باعث گردید ایران در جهت حمایت از مردم عراق و حفظ ثبات و تمامیت ارضی عراق حساسیت دوجندانی از خود نشان دهد. مورد دیگر منافع اقتصادی ایران در عراق می‌باشد، هنگامی که روابط ایران و عراق را از بعد اقتصادی مورد بررسی قرار دهیم وابستگی متقابلی را مشاهده می‌کنیم دو کشور شریک تجاری غیرنفتی یکدیگر در منطقه می‌باشند و تجارت غیرنفتی ایران در عراق از کشورهای منطقه خاورمیانه چشم گیرتر است. عراق نه تنها یک بازار قابل توجهی برای کالا و خدمات ایران است بلکه در زمینه صادرات گاز نیز روابط گسترده‌ای دارند. این سه عامل جنبه‌های کلیدی نفوذ ایران در عراق را نشان می‌دهد.

مقامات ایرانی رویکرد خود در کشور عراق را با توجه به پیشینه مشترک دو کشور می‌دانند و نفوذ روبه افزایش خود در عراق از نگاه قدرت نرم افزاری دنبال می‌کنند و حتی حضور و نقش خود در عراق را بعد از پیدایش داعش منوط به موافقت مقامات عراقی می‌دانند. با این اوصاف مواضع جمهوری اسلامی ایران مخصوصاً پس از سقوط صدام و روی کار آمدن شیعیان در عراق متأثر از متغیرهای قدرت نرم می‌باشد و با وجود انتقادات و رویکرد سایر دولت‌های منطقه‌ای که از افزایش جایگاه ایران در عراق متضرر می‌گردند، ایران حضور خود را مخصوصاً بعد از پیدایش داعش در این کشور نه تنها عاری از هرگونه دخالت تعریف می‌کند، بلکه مقابله با تروریسم را یک مسئولیت بین‌المللی تعریف می‌کند که امنیت منطقه‌ای را به خطر انداخته و هرگونه مقابله در جهت تضعیف داعش در عراق را در راستای هماهنگی منافع دو کشور و حفظ ثبات در منطقه تلقی می‌کند.

۳. شکل‌گیری داعش در عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

امنیت ملی برای هر دولت - ملتی از قداستی خاص برخوردار است، چرا که تقریباً دستیابی به سایر اهداف ملی و بین‌المللی همانند توسعه (توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) قدرت، اقتدار، ثبات، مشروعیت و ... به نوعی در گرو حصول امنیت ملی است. در مقابل، هر نوع اقدام و حرکتی که سبب مخدوش شدن این اهداف شود مخل امنیت ملی تلقی شده و سبب فاصله گرفتن مردم از حکومت، عدم تمکین نسبت به قانون، عدم مشارکت، تشنج و ناامنی در

کشور و ... خواهد شد. از طرفی دیگر از عوامل اصلی و همیشه اثرگذار در تهدید امنیت ملی کشورها در ابعاد مختلف داخلی و خارجی پدیده تروریسم است، تروریسم همواره به عنوان عامل تهدید کننده امنیت ملی کشورها مطرح بوده است. جمهوری اسلامی ایران نیز خواسته و ناخواسته تحت تاثیر پدیده تروریسم قرار داشته و دارد و تحولات و تغییرات در این باره بر امنیت ملی و مولفه‌های وابسته به آن اثرگذاری متقابل دارد. لذا دولت جمهوری اسلامی مثل سایر دولت‌ها باید در تدوین استراتژی امنیت ملی خود موارد و عوامل تهدید کننده را که امروزه یکی از مهمترین آنها تروریسم داعش است مدنظر قرار دهد. (ساعی و معصومی، ۱۳۹۰: ۱۶۲)

بنابراین سرعت و دامنه تحولات در عرصه نظام بین‌الملل، دست اندرکاران سیاست خارجی کشورها را ناچار می‌سازد که به منظور تعقیب منافع ملی خود، ارزیابی مستمر و مداومی از جایگاه کشور خویش در نظام بین‌الملل به عمل آورند و راهبردها و راه کارهای مناسبی را تدبیر و تدوین کنند، لذا یکی از تحولات مهم در منطقه بحث گروه تروریستی داعش می‌باشد که با توجه به اقدامات مخربی که در مرزهای امنیتی ایران انجام داد منجر به افزایش نقش آفرینی و اتخاذ سیاست تدافعی توسط ایران در صحنه بین‌المللی گردید و این امر موجب شده است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهمترین بازیگران منطقه خاورمیانه از این تحولات تاثیر پذیرفته و بر آن تاثیر گذارد و البته همچون سایر بازیگران عرصه بین‌المللی، به دنبال کسب و توسعه منافع خود از رهگذر اثرگذاری بر ساختارهای نظام در حال تکوین باشد. در این راستا جمهوری اسلامی ایران برای حفظ و توسعه روابط با دیگر کشورها و بر اساس نیازها، برنامه ریزی و طراحی سیاست خارجی جدید خود نموده است. (مجید عباسی اشلقی، ۱۳۸۸: ۲۳۷)

برخلاف عراق، ایرانیها مطمئن بودند که قادر خواهند بود که با حکومت اسلامی داعش و سایر گروه‌های افراطی را که امنیت کشور را به خطر می‌اندازند را شکست دهند، خصوصا با توجه به اینکه دولت و رهبری ایران و اکثریت قریب باتفاق مردم ایران ایدئولوژی‌های اعمال شده توسط داعش را رد می‌کنند. با توجه به اینکه ایران سهمی از سنی‌ها، کردها و سایر گروه - های اقلیت را دارد و احتمال نمی‌رود که این گروه‌ها با شورشیان داعش به شکلی که قبیله‌های سنی در عراق شراکت داشته‌اند، همکاری کنند. اما اگر خطر افراط‌گرایی داخلی توسط ایدئولوژی افراط‌گرایی سنی به شدت رشد پیدا کند، بدون شک ایران با نیروهای آنی و غالب پاسخ می‌گوید. (گرانمایه، ۲۰۱۵: ۲۹-۳۵)

کشور ایران از جمله کشورهایی است که بیشترین لطمات را از حوادث تروریستی متحمل

گردیده و در معرض خطرات بالقوه بسیاری از این جهت است. رویکرد ایران نسبت به پیدایش داعش در کشور عراق با کنشگری فعال و مثبت با همکاری مقامات عراقی به فعالیت‌های ضدتروریستی پرداخته است. جمهوری اسلامی ایران به دنبال تحکیم و تثبیت موقعیت برتر خود به عنوان یک قدرت مستقل و تاثیرگذار در منطقه است و تهدید علیه منافع ملی خود در جهت دسترسی به استراتژی‌های درازمدت خود را در نظر می‌گیرد و مقابله با تروریسم جزء یکی از استراتژی‌های ایران در راستای امنیت سازی در مرزهای خود می‌باشد.

بنابراین از میان مهمترین چالش‌های پیش روی نظام بین‌الملل، بازیگران غیردولتی و وفاداران فراملی آنها و عدم توانایی حکومت‌ها در بسیاری از نقاط جهان برای مقابله با این بازیگران به دلیل ماهیت جهانی آنها می‌باشد. از این میان توجه جهانی به گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی به جهت وقوع حوادث تروریستی جلب می‌گردد. پیدایش داعش یکی از مهمترین مسائل امنیت بین‌الملل و برای ایران (با توجه به نزدیکی به مرزهای کشور) تبدیل گردید، هر چند تروریسم پدیده جدیدی نیست، اما وقوع این رخداد باعث شد بحث مقابله با تروریسم به طور جدی در عرصه بین‌المللی مطرح شود. بنابراین مبارزه با تروریسم به عنوان یکی از مولفه‌های سیاست خارجی ایران از جایگاه خاصی برخوردار است و ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای از جایگاه مهمی در مبارزه با تروریسم و ایجاد امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است و در این راستا توانست با تعامل سازنده با دیگر کشورها نقش محوری ایفا نماید. (فتاحی، ۱۳۹۰: ۴)

۴. فرصت‌های حضور ایران در مقابله با داعش در عراق

حضور داعش در کشور عراق موجب گردید، بیش از چهل کشور دنیا به رهبری آمریکا علیه داعش هم پیمان شوند تا به اصطلاح داعش را از بین ببرند. این اقدام تقریباً نمایشی در حالی صورت گرفت که برخی از این کشورها از جمله عربستان، ترکیه، آمریکا، امارات، قطر و انگلیس در تشکیل و تجهیز داعش نقش بسیار تاثیرگذاری داشتند. جمهوری اسلامی ایران که در این پیمان حضور نیافت از فرصت استفاده نمود و قبل از اقدام آمریکا و هم پیمانانش، به کمک دولت و مردم عراق علیه گروه تروریستی داعش شتافت. اقدامات اثربخش ایران موجب گردید که تمام مسئولین عراق و حتی مخالفین جمهوری اسلامی ایران در عراق نیز به تاثیر اقدامات ایران در پیشگیری از سقوط کامل دولت بغداد و اشغال کامل عراق اعتراف نمودند و بارها از ایران تقدیر کردند. اقدامات همه جانبه ایران به حدی بود که تلاش ۴۰ کشور هم پیمان آمریکا

در مبارزه با داعش کاملاً در سایه قرار گرفت و اکثر رسانه‌های جهان، حتی رسانه‌های غربی بارها از نقش مثبت ایران در این بحران به نیکی یاد کردند. این حضور مقتدرانه و اثرگذار، موجب شد؛ اقتدار نظامی و سیاسی ایران در منطقه به همه جهانیان، کشورهای فرامنطقه‌ای و کشورهای منطقه‌ای نظیر عربستان و ترکیه که رقابت شدیدی با ایران در منطقه جنوب غرب آسیا دارند، ثابت شود. (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۱) انسجام و وحدت گروه‌های سیاسی در عراق یکی دیگر از فرصت‌های حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران بود. مهمترین گروه‌های سیاسی در عراق شامل، شیعیان، اهل تسنن و کردهاست. پس از سقوط صدام این سه مرکز قدرت نتوانسته‌اند با یکدیگر تعامل منسجم داشته باشند. اختلافات آنها به ملت عراق نیز سرایت کرده است و حضور داعش این فرصت را به وجود آورد که گروه‌ها و احزاب عراقی اختلافات را کنار بگذارند و در دولت حیدرالعبادی به مقابله با تروریست بپردازند. (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲) بنابراین ایجاد وحدت در میان گروه‌های قومی و مذهبی منجر به این شد که کشورهای فرامنطقه‌ای که ایران را متهم به جنگ فرقه‌ای در عراق می‌دانستند به نوعی ایران به عنوان ثبات بخش کشور عراق دیده شود. حضور داعش در منطقه باعث شد جمهوری اسلامی ایران با استفاده از توانمندی‌های نظامی و نفوذ معنوی خود در منطقه سعی نماید به رغم تهدیدات این گروه تروریستی، ضمن اقدامات نظامی و سیاسی متناسب، جهت برخورد با چنین گروهی از فرصت‌های به وجود آمده نیز استفاده کرده و از یک طرف هم توانایی خود را به رخ رقبای منطقه‌ای همانند ترکیه و عربستان کشیده است و هم بر نفوذ معنوی خود در منطقه افزوده و خط مقاومت را محکمتر از قبل ساخته است. با توجه به شیعه بودن دولت عراق و ظرفیت و پتانسیل اقتصادی و مشترکات فرهنگی و مذهبی و نیز هم مرز بودن با جمهوری اسلامی ایران، این کشور از لحاظ امنیتی برای ایران بسیار اهمیت دارد. تلاش گروهک تروریستی داعش جهت تصرف و سقوط دولت عراق گرچه با اقتدار نظامی جمهوری اسلامی از نظر احتمال حمله نظامی به کشور منتفی بود، لیکن ناامن کردن مرزها و فراهم نمودن زمینه قاچاق تسلیحات نظامی به داخل کشور و نیز پشتیبانی و اعزام گروه‌های تروریستی می‌تواند چالشی هر چند محدود را در پی داشته باشد. (نجات و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۰) بنابراین درگیر شدن ایران در بحران عراق در جهت تضعیف و از بین بردن داعش دو نوع فرصت خلق می‌کند. اول فرصت‌های بالفعل که با ایفای نقش ایران به صورت خود به خود ایجاد شده‌اند و دوم فرصت‌های بالقوه که باید از دل بحران بیرون کشید. فرصت‌های بالفعل را

می‌توان چنین برشمرد:

- پذیرش نقش ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای که می‌تواند در حل بحران‌های منطقه‌ای موثر باشد و برگزاری نشست در مورد موضوعات منطقه بدون حضور ایران ناقص است.

- پذیرش مسئولیت پذیری ایران در افکار عمومی علیرغم تبلیغات سوء ائتلاف ضد ایرانی به دلیل نقش مثبت ایران در جلوگیری از گسترش بحران داعش در مناطقی از عراق و نبرد متقابل با آنان.

- اتحاد با روسیه در برابر ائتلاف غربی - عربی که خود می‌تواند نشان از پذیرش سیاست‌های منطقه‌ای ایران توسط این کشور باشد.

- حضور مستقیم در مناطق موردنظر و توان رصد و تاثیرگذاری بر اوضاع و در ادامه توان تصمیم‌گیری برای آینده منطقه در کنار دیگر قدرت‌ها.

اما فرصت‌های بالقوه را می‌توان به شرح ذیل توضیح داد:

۱- ایجاد روابط مناسب با گروه‌های داخلی به ویژه کردها: ایران هم اکنون پایگاه محکمی نزد شیعیان عراق به عنوان اکثریت این کشور دارد. ریشه‌های مشترک قومی با کردها می‌تواند راه را برای ایجاد روابط مناسب تر با آنان بگشاید. ریشه‌های مشترک قومی با کردها می‌تواند راه را برای ایجاد روابط مناسب تر با آنان بگشاید. این مورد امتیازی است که اعراب و ترکها از آن بی بهره‌اند. هر چند در حال حاضر همه پرسی کردها در عراق، آینده روابط کشور ایران با مقامات این مناطق را مورد تردید قرار داده است.

۲- ایجاد روابط محکم تر با روسیه: در شرایط کنونی نزدیکی دیدگاه دو کشور در مسائل منطقه باعث شده با یکدیگر همکاری نمایند. صرف نظر از نیت روسیه، ایران می‌تواند از نیاز کنونی روسیه برای داشتن متحدی همچون ایران در برابر ائتلاف غربی و عربی، برای ایجاد روابط مستحکم تر خصوصاً در بخش نظامی و اقتصادی بهره‌گیرد.

۳- پررنگ نمودن نقش خود میان دیگر همسایگان: ترس از تروریسم داعشی باعث شده تا کشورهای شمالی ایران از قفقاز گرفته تا ماوراءالنهر و افغانستان و ... با وحشت از نفوذ افراطی گرای سنی در توسط به قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای کنند. در این میان ایران با عملکرد مناسب در تقابل با داعش و دیگر تروریست‌ها، می‌تواند مستمسک خوبی برای این کشورها باشد که در عین حال حوزه مانور و تاثیرگذاری کشور را بالا خواهد برد.

۴- خنثی کردن اقدامات ضدایرانی کشورهای منطقه: علاوه بر عملیات نظامی مسلما آینده

سیاسی عراق با مذاکره و دیپلماسی تعیین خواهد شد. حضور ایران در چنین مذاکراتی توان دفاع از منافع ملی خویش و خنثی نمودن اقدامات سوء علیه این کشور را ایجاد خواهد کرد که باید بتوان به بهترین نحو از آن بهره برد. (متقی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۲۲)

۵. مواضع سیاسی و اقدامات عملی جمهوری اسلامی ایران در تضعیف و مقابله با داعش در عراق و تاثیر آن بر جایگاه منطقه ای آن

سرعت و دامنه تحولات در عرصه نظام بین‌الملل، دست اندرکاران سیاست خارجی کشورها را ناچار می‌سازد که به منظور تعقیب منافع ملی خود، ارزیابی مستمر و مداومی از جایگاه کشور خویش در نظام بین‌الملل به عمل آورند و راهبردها و راه کارهای مناسبی را تدبیر و تدوین کنند، یکی از تحولات مهم در منطقه بحث گروه تروریستی داعش می‌باشد که با توجه به اقدامات مخربی که در مرزهای امنیتی ایران انجام داد منجر به افزایش نقش آفرینی و اتخاذ سیاست تدافعی توسط ایران در صحنه بین‌المللی گردید و این امر موجب شده است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهمترین بازیگران منطقه خاورمیانه از این تحولات تاثیر پذیرفته و بر آن تاثیر گذارد و البته همچون سایر بازیگران عرصه بین‌المللی، به دنبال کسب و توسعه منافع خود از رهگذر اثرگذاری بر ساختارهای نظام در حال تکوین باشد. مسئله داعش متأثر از تحولات داخلی عراق و شکنندگی ساختارهای نظامی و سیاسی در این کشور، مشکلات ناشی از انتقال قدرت و سوء کارکرد دولت نوری المالکی در مناطق سنی نشین و بروز بحران نفوذ و اقتدار، فقدان نگرش راهبردی و بروز حرکت‌های جدایی طلب در کردستان عراق، ناکارآمدی نیروهای نظامی در برخورد با حرکت‌های چریکی و جنگ‌های نامنظم، هراس عمومی و آشفتگی عمیق مدنی و مهمتر از همه دستیابی داعش به منابع مالی جدید و اعمال کنترل بر مناطق و مراکز حیاتی موجب شده است معمای تروریسم به یک شوک بزرگ و حتی به صورت محتمل به یک فاجعه بین‌المللی مبدل شود. (نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۷۷)

در این راستا جمهوری اسلامی ایران برای حفظ و توسعه روابط با دیگر کشورها و بر اساس نیازها، برنامه ریزی و طراحی سیاست خارجی جدید خود نموده است. (عباسی اشلقی، ۱۳۸۶: ۲۳۷) پیدایش و گسترش داعش در مرزهای امنیتی ایران منجر اتخاذ مواضع سیاسی جدیدی از جانب ایران گردید. ایران اهداف اصلی در مورد مقابله با حکومت اسلامی داعش در عراق دارد، متوقف کردن داعش در مسیر خود و حتی شکست دادن این گروه در عراق؛ حفظ تمامیت ارضی عراق؛ و تضمین اینکه داعش خود و یا ائتلافات بین‌المللی روانه شده برای شکست داعش،

همپیمانان ایران در منطقه را پاکسازی نمی‌کنند و یا تاثیر منفی بر استراتژی امنیتی ایران نداشته باشند و این موضع به شکل هماهنگی در تمام ارگانها و بخش‌های داخلی تصمیم‌گیری ایران اتخاذ و حفظ شده گردید.

استراتژی ایران برای رسیدن به این اهداف ابعاد سیاسی دارد و به پاسخ امنیتی جدی از طریق دولت بغداد و از طریق گروه‌های محلی شیعی، مردمی و سایر گروه‌های درگیر با بحث داعش تمرکز داشته است، پیروزی‌های حکومت به اصطلاح اسلامی داعش، نظرات ایران مبنی بر اینکه شورشیان افراطی باید در عراق محدود شوند و اینکه اینکار تنها از طریق هماهنگی با ارتش عراق و اقدامات امنیتی اتخاذ شده امکانپذیر است، را تایید می‌کند، برخلاف سایر کشور-های منطقه، ایران تهدید داعش را عمده‌ترین بیرونی و غیر مستقیم می‌داند،

خاورمیانه شاهد بروز یک درگیری جدید توسط یک حکومت خودخوانده گردید، داعش با اشغال قلمروهایی به سرعت اهداف خود و نیز میزان قساوت‌اش را توسعه داد و با هدف قرار دادن هم پیمانان کلیدی ایران (عراق و سوریه) و نیز پیروان مذهب شیعه اسلام، که حدود ۹۰ درصد از ایرانیان به آن باور دارند، خود را در مقابل ایران قرار داده است. کشور ایران، داعش را یک چالش سیاسی و مذهبی می‌داند و از لحاظ استراتژیک به دنبال فرسایش آن است، ظهور داعش یک فرصت عمده را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داد تا موقعیت عالی خود در خاورمیانه را در سایه مبارزه با تروریسم تضمین کند. (میگیولینی، ۲۰۱۳: ۵) جمهوری اسلامی ایران از زمان پیدایش گروه تروریستی داعش با اعلام احساس خطر در مرزهای امنیتی خود، از بین بردن تروریسم را یک مسئولیت منطقه‌ای تلقی نمود، و اقدامات وسیعی را در راستای تضعیف و از بین بردن داعش با همکاری مقامات دولت‌های درگیر تروریسم انجام داد، هر چند مواضع ایران در ابتدای از سوی منتقدین منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد تردید بود، زیرا که ایران از سالهای پیش به عنوان حامی تروریسم از سوی آمریکا و سایر دولتها نامیده شده بود.

استراتژی سیاسی ایران در ابتدای پیدایش داعش، نگه داشتن چالش‌ها در پایین‌ترین سطح و مشارکت تا حد ممکن نامرئی بود، در حالیکه با شدت تهاجمات داعش در عراق و نزدیکی به مرزهای‌اش، مشارکت مستقیم تری از خود نشان داد، بطوریکه بعد از گسترش داعش در عراق از لحاظ استراتژیک ایران کمک‌های نظامی، لجستیک و مشاوره را به گروه‌های مخالف با داعش با موافقت دولت عراق فراهم نمود. در ابتدا، این استراتژی رهبری و هدایت از پشت سر بیشتر به نفع ایران بود، این استراتژی ایران را قادر به اجتناب از حضور مستقیم و مشخص در اختلافات

کشور عراق می‌کرد. در طول مراحل اولیه بحران، مقامات رسمی ایران مکرراً حضور نیروها و افراد ایرانی در عراق را نفی می‌کردند و تاکید می‌کردند که ایران هرگز نیرویی را به عراق روانه نکرده است و احتمال نمی‌رود که در آینده این اتفاق بیفتند. در پاسخ به شدت بحران عراق با تقویت گروه‌های مرتبط در عراق برای مبارزه با داعش، ایران نقش فعالی در مبارزه با آن داشت، در حالیکه الهام بخش بازیابی اتحاد ملی عراق خواهد بود، ایران یک موقعیت میانی را اتخاذ کرد و به دولت مرکزی عراق و نیز گروه‌های شیعه و کرد کمک نمود. از لحاظ سیاسی، استراتژی هدایت از عقب ایران، این امکان را فراهم نمود که به اقدامات علنی برای گفتگو و بازسازی وحدت ملی در عراق تمرکز کند، وحدت ملی، که در گذشته بسیار شکننده بود، در نتیجه دهه‌ها فرقه‌گرایی و جدایی طلبی، هم در حکومت صدام حسین که کردها و شیعیان را منزوی می‌کرد و از پایان عملیات آزادی عراق (سال ۲۰۰۳) که دینامیک قدرت را معکوس کرد، صدمه دیده است.

جمهوری اسلامی ایران در برخورد با داعش اعلام کرده بود، سقوط کربلا یا نجف سبب مداخله مستقیم ایران خواهد شد، پیشرفت سریع داعش و ترس ایران از توسعه آن به سمت کشور منجر شد که رهبری مشارکت در بحران را بطور فزاینده‌ای افزایش دهد، در حالیکه در ابتدای امر سیاست ایران در مقابله با داعش به مکان‌های خاص شیعه مربوط می‌شد، زیرا که سقوط هر یک از این سه منطقه استراتژیک خاص (دمشق، بغداد و اربیل) می‌توانست پاسخ شدید از سوی ایرانیان در بر داشته باشد. بنابراین با پیشروی بیشتر داعش در داخل عراق، استراتژی ایران در پاسخ به بحران تغییر کرد، داعش پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در نزدیک مرزهای ایران داشته است و ارتش ایران برای عقب راندن آنها اعزام گردید، ارتش ایران برای اولین بار از زمان جنگ عراق و ایران برای مبارزه اعزام شده است، مشخصاً ایران تردیدی برای افزایش مشارکت در عراق از جمله با تقویت نیروهای زمینی، در صورت تداوم، بدتر شدن، و یا تاثیر جنگ بر مرزها و محیط‌های استراتژیک، باقی نگذاشته است. (اسفندیاری و طباطبایی، ۲۰۱۵: ۴۳)

تهدید جدی اما غیر مستقیم حکومت اسلامی داعش در عراق برای ایران این بود که توسعه این گروه منافع امنیتی منطقه‌ای ایران را به خطر می‌اندازد، ایران مشتاق محافظت از موقعیت هم پیمان خود در عراق در مقابل تهدیدهای امریکا، اسرائیل و عربستان سعودی می‌باشد. شاخه‌های اجرایی و امنیتی ایران برای حمایت فعال از نیروهای مرکزی و محلی در عراق برای وارد کردن فشار بر قلمرو داعش اقدامات وسیعی را با همکاری دولت عراق انجام دادند.

ایران با گروه‌های شیعه در عراق و گروه‌های مردمی و سایر قومیت‌ها که تمایل به مقابله با تهدید ایجاد شده از سوی داعش داشتند، همکاری نموده و از آنها حمایت نمود. این گروه‌ها از لحاظ ایدئولوژیک با ایران به عنوان دولت شیعه، متحد هستند، ایران مهمترین و عملیاتی‌ترین عامل علیه داعش در عراق می‌باشد، در نتیجه حمایت ایران و مهارت نیروهای شبه نظامی شیعه و شاخه مردمی عراقی، این گروه‌ها توانستند اطلاعاتی را درباره جنگ افزار و توانایی نظامی داعش کسب نمایند و حتی اگر داعش تهدید خود برای حمله به شهرهای نجف و کربلا را عملی می‌نمود، این امر سبب پاسخی شدید از سوی ایران در پی داشت که احتمالاً زمینه افزایش کمک بیشتر به هم پیمانان شیعه خود را ایجاد می‌نمود.

ایران اولین کشوری بود که صراحتاً برای جنگ با داعش برای دولت منطقه‌ای کردستان به ریاست جمهوری مسعود بارزانی کمک‌ها و مشاوره‌های نظامی تامین نمود. ایران کمک‌هایی را برای نیروهای پیشمرگه دولت منطقه‌ای کرد از طریق هماهنگی با دولت بغداد تامین نمود. ایران نگران بود که اقلیت‌های کرد استقلال طلبی نماید و یا به دولت مستقل دیگری در خارج از ایران ملحق شوند، البته برگزاری همه پرسی در کردستان عراق نمودی از نگرانی‌های امنیتی ایران بود، همچنین ایران به تعداد زیادی از کردهای جدایی طلب اجازه داده است که برای ملحق شدن به جنگ علیه حکومت اسلامی داعش بدون تضمین بازگشت، وارد عراق شوند. (گرانمایه، ۲۰۱۵: ۳۳)

ایران، داعش را به عنوان تهدیدی برای جمهوری اسلامی نمی‌دانند، بلکه آن را تهدیدی برای هم‌پیمانان ایران تلقی می‌کنند، بنابراین، اقدامات در حمایت از آزادسازی شهرهای عراقی هدفی گسترده تر از آنچه جامعه بین‌المللی فکر می‌کند دارد. هر پیروزی شبه نظامیان تحت حمایت ایران و یا نیروهای فعال تحت کنترل ایران نشان دهنده نفوذ بیشتر ایران بر هم پیمانان خود است. این امر همچنین هاله‌ای از ضرورت را ایجاد می‌کند که در آن ایران و هم-پیمانانش و نه ائتلاف تحت هدایت امریکا، به عنوان مصداق موفق اقدامات امنیتی ایران در منطقه تلقی می‌شوند. (مقیولینی، ۲۰۱۳: ۳)

ایران نیروهای مشاور امنیتی ویژه‌ای را روانه عراق کرده است و اطلاعات و آموزش نظامی برای مبارزه با حکومت اسلامی داعش را برای ارتش عراق تامین نمود، (گرانمایه، ۲۰۱۵: ۲۸) اقدامات عملی ایران در مقابله با داعش از دیدگاه جامعه بین‌المللی "با هدف تقویت موقعیت خود چه از طریق تعهد به حمایت از دولت مرکزی در عراق، و یا پذیرفتن خطر جانب داری از

گروه‌های شورشی‌ای که ممکن است با داعش، القاعده، جبهه النصر، و یا سایر جهادگران عرب سنی در ارتباط باشند، انجام می‌شود." از لحاظ کمک‌های عملیاتی، هیچ نیرویی به اندازه سپاه پاسداران ایران و واحد عملیات خارجی آن، سپاه قدس در مقابله با داعش تجربه ندارد، سپاه پاسداران ایران جنگ علیه داعش را هدایت کرده است و این هدایت از دیدگاه استراتژی ایران به معنی بکارگیری نیرو، جهت دهی و هماهنگ کردن سرمایه‌ها در حمایت از نظامیان عراقی، جمع‌آوری نیروهای جدید، و نیز گرفتن کمک از گروه‌هایی مانند حزب الله می‌باشد. حضور سردار سلیمانی در میدان نبرد در اصلی‌ترین مبارزات علیه داعش، نقش او به عنوان معمار استراتژیک مبارزه ایران علیه داعش تبدیل گردید. نقش سردار سلیمانی در میدان نبرد حتی سبب تقویت روحیه شبه نظامیان و نیروهای شیعه گردید. (کوردسمن، ۲۰۱۴: ۳)

ظهور داعش در عراق و لزوم مقابله با آن در مرزهای امنیتی ایران منجر به اتخاذ سیاست فعالانه‌تری از سوی مقامات کشور گردید، در واقع امنیت یکی از اولویت‌های اساسی در تعریف اهداف سیاست خارجی ایران می‌باشد، و کمک به ثبات و امنیت عراق در راستای امنیت سازی کشور می‌باشد، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس منافع ملی پایه گذاری شده است، جمهوری اسلامی ایران از کشورهای شیعه و احزاب نزدیک به خود حمایت می‌کند. فارسی زبانان افغانستان و تاجیکستان، حزب الله لبنان، حماس و برخی از گروه‌های شیعه عراق در سیاست خارجی کشورمان جایگاه انکارناپذیری دارند، بنابراین درگیر شدن ایران در بحران عراق در جهت تضعیف و از بین بردن داعش دو نوع فرصت خلق می‌کند. اول فرصت‌های بالفعل که با ایفای نقش ایران به صورت خود به خود ایجاد شده‌اند و دوم فرصت‌های بالقوه که باید از دل بحران بیرون کشید. فرصت‌های بالفعل را می‌توان چنین برشمرد: پذیرش نقش ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای که می‌تواند در حل بحران‌های منطقه‌ای موثر باشد و برگزاری نشست در مورد موضوعات منطقه بدون حضور ایران ناقص است؛ پذیرش مسئولیت پذیری ایران در افکار عمومی علیرغم تبلیغات سوء ائتلاف ضد ایرانی به دلیل نقش مثبت ایران در جلوگیری از گسترش بحران داعش در مناطقی از عراق و نبرد متقابل با آنان؛ اتحاد با روسیه در برابر ائتلاف غربی-عربی که خود می‌تواند نشان از پذیرش سیاست‌های منطقه‌ای ایران توسط این کشور باشد؛ حضور مستقیم در مناطق موردنظر و توان رصد و تاثیرگذاری بر اوضاع و در ادامه توان تصمیم‌گیری برای آینده منطقه در کنار دیگر قدرت‌ها. اما فرصت‌های بالقوه را می‌توان به عنوان یک نتیجه‌گیری از بحث عنوان نمود. ایران در

شرایط کنونی که در جوار خود منطقه‌ای آشوب زده را دارد الزاما باید هزینه‌های این چالش را بپردازد تا امنیت یعنی مهمترین کالای سیاسی را حراست نماید. حال که گریز از این بحران ممکن نیست باید کوشید تا در کنار هزینه‌ها بتوان از آن امتیاز نیز گرفت، ایجاد روابط مناسب با گروه‌های داخلی به ویژه کردها؛ ایجاد روابط محکم تر با روسیه؛ پررنگ نمودن نقش خود میان دیگر همسایگان؛ خنثی کردن اقدامات ضدایرانی کشورهای منطقه می‌تواند به افزایش نقش و جایگاه ایران در منطقه بیانجامد (متقی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۲۲) در مجموع حضور ایران در مقابله با داعش باعث حضور پررنگ در عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش و تلاش برای حفاظت از اماکن مقدس عراق در مقابله با داعش و ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در اقلیم و سازمان دهی نیروهای شبه نظامی و مردمی شیعی در عراق برای مقابله با داعش و انجام فعالیت مستشاری در ارتش عراق برای مقابله با داعش و تقویت حضور نظامی مستقیم در داخل خاک عراق در مجاورت مرزهای ایران گردیده است. (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۵۸)

ساختار نظام منطقه‌ای بعد از سقوط صدام حسین و جریان‌ات حادث در منطقه بر موضع گیری و جایگاه منطقه‌ای ایران تاثیر به سزایی گذارد، ایران در محور مقاومت قرار دارد، از این لحاظ در تلاش است تا از رقبای منطقه‌ای خود که مهمترین آنها رژیم اسرائیل، ترکیه، عربستان، قطر و ... است جلوتر بیفتد و سعی نمود تا نقش موثر و فعالی را در قبال جنبش‌ها و تحولات نوین ایفا کند. از جمله عربستان سعودی یکی از این کشورهاست که برای سال‌های بعد از سال ۲۰۰۳ و قدرت یابی شیعیان و بالاخص در حال حاضر پس از یورش داعش اتحاد عراق و ایران را از موضع ضعف منافع خود در منطقه و سرانجام در پی تقویت دولت اسلامی عراق و شام بود. (الشعبانی، ۲۰۱۵: ۷-۱)

هر کدام از بازیگران منطقه‌ای فرامنطقه‌ای افزایش نقش خود را برای تحقق اهدافشان دنبال می‌کنند. کشورهای غربی و ترکیه این نقش را بیشتر برای افزایش نقش نفوذ خود و کسب رهبری سیاسی می‌خواهند. جمهوری اسلامی ایران، روسیه، چین و حتی عربستان نیز این نقش را برای مهار تهدیدات و افزایش امنیت دنبال می‌کنند. بر این اساس محور الگو و ایدئولوژی همگی به عنوان ابزارهایی برای افزایش نقش بازیگران اصلی در منطقه در چارچوب معادلات قدرت صورت می‌پذیرد. جمهوری اسلامی ایران نیز افزایش نفوذ منطقه‌ای خود را برای رفع تهدیدات امنیت ملی خود ضروری ارزیابی می‌کند. رقابت ایران و ترکیه و عربستان

بیشتر بر مبنای جلوگیری از افزایش نقش منطقه‌ای یکدیگر است. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۶) در مجموع حضور ایران در مقابله با داعش باعث حضور پررنگ در عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش و تلاش برای حفاظت از اماکن مقدس عراق در مقابله با داعش و ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در اقلیم و سازمان دهی نیروهای شبه نظامی و مردمی شیعی در عراق برای مقابله با داعش و انجام فعالیت مستشاری در ارتش عراق برای مقابله با داعش و تقویت حضور نظامی مستقیم در داخل خاک عراق در مجاورت مرزهای ایران گردیده است. (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۵۸)

۶- نتیجه گیری

بعد از سقوط صدام همه بازیگران اصلی منطقه‌ای سعی داشتند نظم جدیدی را بر اساس منافع و امنیت ملی خود تعریف نمایند. جمهوری اسلامی ایران در نقش یکی از دولت‌های مهم منطقه‌ای و دارای نگرانی‌های امنیتی در سطح منطقه مدافع نسل جدیدی از نخبگان در ساختارهای سیاسی عراق بود که دیدگاه غیردوستانه‌ای درباره ایران نداشته باشند و به راحتی وارد ائتلاف‌های امنیتی علیه ایران نشوند. با سقوط صدام و بروز تحولات داخلی آن و حضور فعال ایران در منطقه گردید. در نتیجه ایران سعی کرده خارج از مسائل فرقه‌ای شیعه و سنی مسائل عراق را رصد کند و سیاست خارجی ایران عمده‌تأ مبتنی بر حفظ منافع استراتژیک و تحت تأثیر امنیت سازی در مرزهایش بوده است.

تلاش ایران برای افزایش نقش منطقه‌ای، بیشتر با هدف افزایش «امنیت نسبی» صورت می‌گیرد. ریشه‌های افزایش نقش ایران نیز در درجه اول به ویژگی‌های طبیعی ساخت قدرت، سیاست، موقعیت ژئوپلیتیک و ناشی از بحران عراق امکان بروز یافته‌اند. همچنین، اهداف و راهبردهای سیاست خارجی ایران بیشتر تدافعی و عملگرانه است و قبل از هر چیز سعی دارد چالش‌های امنیتی ناشی از بروز تحولات جدید سیاسی-امنیتی در منطقه را از بین ببرد.

از نظر نگارنده، مواضع جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر نسبت به زمان صدام که عامل ناامنی و یک تهدید فوری در مرزهای کشور محسوب می‌شد تغییر اساسی پیدا کرده است، ایران با سیاست تدافعی فعال و از راه حضور موثر در منطقه سعی دارد امنیت نسبی خود را در شرایط خاص افزایش ناامنی در فضای سیاسی-امنیتی بعد از بحران عراق بالا ببرد؛ زیرا تحولات جدید سیاسی بعد از بحران عراق و در پی آن تغییرات جدید ژئوپلیتیک در منطقه و

در سال‌های اخیر پیدایش و گسترش داعش در عراق، معمای جدید امنیتی برای ایران به وجود آورده است هر چند کشور ایران در راستای افزایش امنیت سازی در مرزهای خود و همچنین با در نظر گرفتن حفظ ثبات کشور عراق که درگیر مقابله با تروریسم می‌باشد خواهان همکاری با این کشور در راستای مقابله با داعش می‌باشد.

اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه بعد از سقوط صدام حسین و شکل گیری دولت جدید در عراق و روبرو شدن این کشور با معضل تروریسم بیشتر دارای ماهیت تدافعی و عمل-گرایانه بوده است. این اهداف در چارچوب دفاع فعال و از راه حضور موثر در مسایل منطقه‌ای، واکنشی به رفع تهدیدات امنیتی داعش در محیط فوری امنیتی ایران و سیاست‌های تقابلی بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای نسبت به ایران از سوی دیگر قرار دارد.



منابع فارسی

کتاب

- جیمز دوئرتی، رابرت فالتراگراف (۱۳۷۲)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه: علیرضا طیب - وحید بزرگی، چاپ اول، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ اول، انتشارات سمت

مقالات

- ابراهیم متقی، اسماعیل سلطانی (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به عراق و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای ایران، فصلنامه دانش سیاسی و بین‌الملل، سال دوم، شماره پنجم
- احمد ساعی، مجید معصومی (۱۳۹۰)، تأثیر تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۲
- اردشیر سنایی، مونا کاویانپور (۱۳۹۵)، ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۴
- اشلقی، مجید (۱۳۸۸)، مطالعه نظری سیاست خارجی دو جانبه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره هشتم
- برزگر، کیهان (۱۳۸۶)، عراق جدید و نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس، مجله راهبرد، شماره ۴۳
- خسروی، غلامرضا (۱۳۸۸)، مولفه‌های داخلی پایدار و موثر بر سیاست خارجی عراق جدید، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول
- حسینعلی کریمی فیروزجایی، محمدرضا عبدالله پور (۱۳۹۱)، سازه‌های ژئوپلیتیکی در عراق نوین و چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۶
- داوود غرایق زندی، اصغر شاکری (۱۳۹۳)، تأثیر مسائل راهبردی در روابط ترکیه و عراق، بر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی «امنیت پژوهی»، سال سیزدهم، شماره ۴۵

- صادق زیباکلام، محمدرضا عبدالله پور (۱۳۸۸)، بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال عراق، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴

- عزت الله عزتی، سهیلا نانوا (۱۳۹۰)، بررسی تغییر ساختار سیاسی عراق از متمرکز به فدرالیسم و اثرات آن بر امنیت ملی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیایی سرزمین، سال هشتم، شماره ۲۹

- علی اشرف نظری، عبدالعظیم السمیری (۱۳۹۳)، بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی - اجتماعی، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره ۶۸

- طارمی، کامران (۱۳۹۵)، سیاست خارجی ایران در قبال عراق اشغالی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال بیست و سوم، شماره اول

- فرهاد عطایی، روح الله قادری کنگاوری و نبی الله ابراهیمی (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم؛ ایران و آمریکا در عراق جدید، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۳

- قدیر نصری، داود رضایی (۱۳۹۲)، امکان سنجی استقلال اقلیم کردستان عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی «امنیت پژوهی»، سال دوازدهم، شماره ۴۴

- محمد جعفر جوادی ارجمند، هادی طلوعی (۱۳۹۳)، تأثیر تهاجم نظامی آمریکا به عراق بر قدرت هوشمند ایران در این کشور، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۴، شماره ۴

- ملیحه نیک روش، علی اکبر جعفری (۱۳۹۵)، نقش مراجع تقلید و علمای دینی کشور عراق در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸

- نادری، نیلوفر (۱۳۸)، چهاردهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس در دفتر مطالعات سیاسی در وزارت امور خارجه، مجله نگاه، سال چهارم، شماره ۴۳، فروردین و اردیبهشت

- نجات، سیدعلی (۱۳۹۴)، گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛

چالش‌ها و فرصت‌ها، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ۶
- (۱۳۹۳)، رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات
نوبین خاورمیانه، فصلنامه سیاست، سال اول، شماره ۴

خبرگزاری

- شیرازی رنجبر (۱۳۹۳)، تهدیدات و فرصت‌های عملکرد داعش برای جمهوری اسلامی ایران،
خبرگزاری فارس

English resources

Book

- Glickman D. 2015. **Iran, Isis And U.S. Interests In An Unraveling Middle East**, The Aspen Institute
- **Geranmayeh E. Iran's strategy against the Islamic State**. The European Council on Foreign Relations, (104)
- Maggiolini P. (2013), **Iraq's Foreign Policy Directions And Regional Developments. Where Does Iraqi Foreign Policy Start?**. International Society For Performance Improvement (ISPI)

Articles

- Walt, stephon M. (1985), **Alliance Formation and the balance of world power**, International Security, Vol. 9, No. 4
- Rosiny S. (2014), **The Caliph's New Clothes: The Islamic State In Iraq And Syria**, Institute Of Global And Area Studies (Issn 2196-3940)
- Guzansky Y, & Lindenstrauss G. (2013), **How Iraq's Future May Be Shaped By Its Neighbors**. Foreign policy research institute
- Shabani M A. (2015), **Making Sense Of Iran's Iraq Policy**, Center For Applied Research In Partnership With The Orient. (Carpo) (30.01)